

سماح حضرت نوح

در قصاید حاوا

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (نوح/۱)

چکیده

هدف از تدوین این مقاله، بررسی جلوه‌های گوناگون زندگی و عناصر داستانی حضرت نوح در قصاید خاقانی است و در آن، ضمن اشاره به زندگانی حضرت نوح به معانی دیگری که خاقانی به آن‌ها توجه کرده، پرداخته شده است. زندگی پرماجرای نوح(ع) پیامبر، به خصوص طول عمر او، کشتی او و قصه تنور پیرزن کوفه در ادبیات فارسی از جمله در اشعار خاقانی، انعکاس وسیعی یافته است. داستان نوح دستمایه خاقانی برای مفاهیمی چون: مدح ممدوحان، نکوهش حاسدان، شکایت از زمانه و... شده است. او برای تبیین خود از شیوه‌های بیانی مانند استعاره و تشبیه و آرایه‌های بدیعی چون ایهام و اغراق بهره برده است.

کلید واژه‌ها:

خاقانی، قصاید، نوح علیه السلام، عناصر داستانی نوح، شیوه‌های بیانی، آرایه‌های بدیعی.

پنجاه ساله بود که بر وی وحی آمد.»

(ابوبکر عتیق نیشابوری، ۱۳۸۱، ج ۲: ۷۵۸)

و «گفته‌اند که نوح، علیه‌السلام، صد و هفتاد ساله بود که بدو وحی آمد و نهصد و پنجاه سال قوم را دعوت کرد؛ چنان که مصطفی، علیه السلام، از مشرق تا مغرب.»

(ابواسحق نیشابوری، ۱۳۸۲: ۳۳ و نیز رک: طبری، ۱۳۵۶، ج ۴: ۷۲۸)

سرگذشت نوح(ع) در خلال آیات متعدد قرآن کریم و به ویژه در هفتاد و یکمین سوره، که به همین نام موسوم شده، آمده است. داستان زندگی نوح(ع) با اندکی اختلاف با روایات و تفاسیر اسلامی در کتاب مقدس نیز آمده است.

(رک: تورات، سفر تکوین، باب هفتم، آیه نهم)

زندگی پرماجرای نوح(ع) پیامبر، به خصوص طول عمر او، کشتی او و قصه تنور پیرزن کوفه در ادبیات فارسی از جمله در اشعار خاقانی، انعکاس وسیعی یافته است. خاقانی گاه بدون اشاره به داستانی خاص از زندگی نوح، تنها از او نام می‌برد:

علم چهل صبح را مکتبی آراسته

۲/۴۷

روح مثاله نویس، نوح خلیفه کتاب

خضر، مکتبی از علم آفرینش انسان ساخته و نوح، ارشد مکتب خانه اوست.

در بیت زیر نیز اخستان شاه را به نوح خلیل حالت تشبیه کرده است:

نوح خلیلی حالتی، خضر کلیم قالتی

۱۲/۴۳۰

احد عرش هیبتی، عیسی روح منظری

در قرآن و کتاب مقدس از نوح(ع) به عنوان فردی برجسته و انسانی متعالی نام برده شده است. اگر چه قرآن از او به عنوان پیامبر یاد می‌کند، در کتب مقدس از او به عنوان جد هفتم بعد از آدم، پدر دومین بین نوع بشر و مردی عادل، کامل، با خدا و واعظ عدالت نام برده‌اند و مقام پیامبری برای او قائل نیستند. (هاکس، ۱۳۷۷: ذیل نوح)

«نام نوح، سمک بن لمک بود و گفته‌اند سامک بن لامک بود. ... وی از پس ادربیس بود و اول ناسخ شریعت او بود. ...

نادر ابراهیمیان

کارشناس ارشد

زبان و ادب فارسی



عناصر داستانی حضرت نوح (ع)

عمر نوح (ع)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا
(عنکبوت/۱۴)

«نهند و پنجاه سال در میان قوم بود. چون قومش هلاک شدند از پس از آن نیز دویست سال بزیست، و گفته‌اند چهارصد سال؛ به یک روایت، عمرش هزار و دویست سال بود و به یک روایت، هزار و چهارصد.» (ابوبکر عتیق نیشابوری، ۱۳۶۵: ۱۲۸)

«و جمله ایام نوح، نهند و پنجاه سال بود که مرد.»

(تورات، سفر تکوین، باب هفتم، آیه ۱۲)

در تفاسیر قرآن و نیز در کتاب مقدس، عمری قریب هزار سال برای نوح ذکر شده و از این رو در ادب پارسی «عمر نوح» را مظهر زندگانی دراز دانسته‌اند. خاقانی در بیت زیر در مدح سلطان غیاث‌الدین محمد، برای او عمری دراز چون عمر نوح آرزو کرده است:

ملک جم و عمر نوح، بادت و در بزم تو

کشتی و رسم جبل، ماهی و مقلوب یم

شاعر معتقد است که مظهر قزل‌ارسلان بن ایلدگز چنان امنیت و آبادانی‌ای برای او فراهم می‌کند که عمری چون نوح خواهد یافت (اغراق):

کز عمر هزار ساله چون نوح / صد دولت دیرمان ببینم

چرخ و فلک نیز در دیر زمانی و کهن سالی، چون نوح است:

ملک تو کشتی است و چرخ، نوح کهن سال

کش ز شب و روز سام و حام برآمد

نوحه‌گری نوح (ع)

معنی نوح در قاموس کتاب مقدس «راحت» ذکر شده است (هاکس، ۱۳۷۷: ذیل نوح)، اما در تفسیر سوراآبادی چنین آمده است: «وی را نوح گفتند لکثره ما ناح علی قومه و آن، آن بود که وقتی ابلیس او را گفت از پس هلاک قوم او: ای پیرا تو را بر من حقی بزرگ افتاد و آن، آن است که تو این همه خلق را به یک دعا که برایشان بکردی از خیل من گردانیدی تا با خویشتن به دوزخ برم. گر من ایشان را به دوزخ بایستی بردن به جهد خویش، مرا بسی رنج رسیدی. نوح پشیمان گشت. چندان نوحه بکرد برایشان که او را نوح نام کردند. گفته‌اند که او را نوح گفتند لکثره ما ناح علی نفسه. و آن، آن بود که وقتی سگی را تقبیح کرد. آن سگ باوی به سخن آمد، گفت: تو پیغامبر خدای باشی. نکو بود که آفریده خدا را زشت گویی؟ نوح چندانی بدان سخن بر خویشتن بگریست که او را نوح نام کردند.» (عتیق نیشابوری، ۱۳۸۱: ج ۲، ۷۵۸)

مرگ فرزند شاعر، رشیدالدین، برای او چندان عظیم و ناگوار است که باید چون نوح، نوحه‌سرایی کند. شاعر از پرداختن به اغراق بی‌نیاز شده؛ زیرا اغراق خود در نوحه نوح نهفته است:

اشک داود ببارید پس از نوحه نوح

تا ز طوفان مژه، خون هدر بگشایید

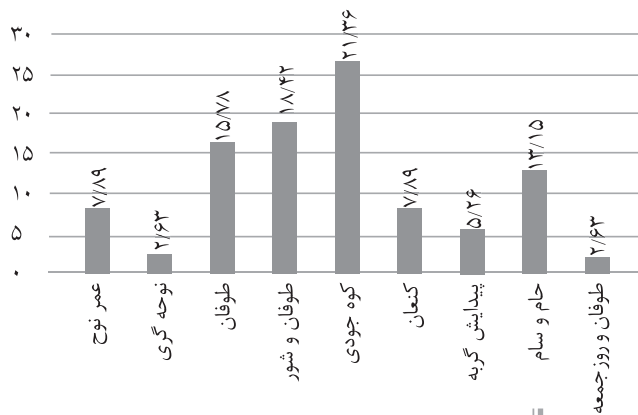
۳/۱۶۰

طوفان نوح (ع)

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ* وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى

الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدٍ قَدِرٍ (قمر/۱۱-۱۲)

۱۳/۱۴۶



جدول ۱: فهرست سور و آیاتی که نام نوح(ع) در آن‌ها آمده است

جدول ۱		
نام سوره	شماره سوره	شماره آیه
آل عمران	۳	۳۳
نساء	۴	۱۶۳
انعام	۶	۸۴
اعراف	۷	۶۹، ۵۹
توبه	۹	۷۰
یونس	۱۰	۷۱
هود	۱۱	۲۵، ۳۲، ۲۶، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۸۹
ابراهیم	۱۴	۹
اسراء	۱۷	۱۷، ۳
مریم	۱۹	۵۸
انبیاء	۲۱	۷۶
حج	۲۲	۴۲
مؤمنون	۲۳	۲۳
فرقان	۲۵	۳۷
شعراء	۲۶	۱۱۶، ۱۰۶، ۱۰۵
عنکبوت	۲۹	۱۴
احزاب	۳۳	۷
صافات	۳۷	۷۹، ۷۵
ص	۳۸	۱۲
غافر	۴۰	۳۱، ۵
شوری	۴۲	۱۳
ق	۵۰	۱۲
ذاریات	۵۱	۴۶
نجم	۵۳	۵۲
قمر	۵۴	۹
حدید	۵۷	۲۶
تحریم	۶۶	۱۰
نوح	۸۱	۲۶، ۲۱، ۱

نوح اولین پیامبری بود که در زمان وی عذاب نازل شد. او سالیان دراز قوم گناهکار خویش را به پرستش خدای، تعالی، فراخواند اما جز عده‌ای قلیل به او ایمان نیاوردند. نوح قوم خویش را نفرین کرد و از خدا درخواست که دباری از کفار بر زمین باقی نگذارد. پس از نفرین نوح(ع)، خداوند به او فرمان داد که کشتی بسازد. پس از به پایان رسیدن ساخت کشتی، طوفان نوح شروع شد و قوم نوح به جز هشتاد تن از مؤمنان و اهل بیت نوح، همه نابود شدند. (ابواسحق نیشابوری، ۱۳۸۲: ۳۳-۴۰) داستان طوفان نوح در کتاب مقدس نیز با اندکی اختلاف با روایات و تفاسیر اسلامی آمده است. (تورات، سفر تکوین، باب هفتم، آیه نهم)

قصه طوفان نوح(ع) در شعر خاقانی نیز جلوه یافته است. شاعر با توجه به داستان طوفان نوح(ع)، اخستان شاه را به نوح تشبیه کرده که از سرزمین الان (اران) طوفان برانگیخته است:

هود همت شهریاری، نوح دعوت خسروی
صرصر از خزران و طوفان از الان انگیخته ۱/۳۹۶

وقوع طوفان نوح را در روز جمعه دانسته‌اند. شاعر نیز بر پایه آدینگی روز عید قربان سال ۵۶۹ هـ.ق (فروردین، ۱۳۵۸: ۳۳۵) و روز طوفان نوح، خود را غرقه طوفان کرم (تشبیه) دانسته است:

حج ما آدینه و ما غرق طوفان کرم
خود به عهد نوح هم آدینه طوفان دیده‌اند ۱۸/۹۳

در بیت زیر نیز مضمراً خود را به نوح و لفظ خود را از جهت فراگیری و تاختن بر حاسدان، به طوفان نوح تشبیه کرده است: معصوم کی شوند ز طوفان لفظ من

کز نوح عصمت الا فرزند و زن نیند ۱/۱۷۶
خاقانی در مرثیه فرزند خود، چشمی به داستان طوفان نوح(ع) دارد. در بیت زیر طوفان مژه، استعاره از اشک است:

اشک داود ببارید پس از نوحه نوح
تا ز طوفان مژه، خون هدر بگشایید ۳/۱۶۰

نوحه نوح(ع)، زاری به آستان باری تعالی در شکوه از کفر و بدرفتاری قومش است. ذهن شاعر از کلمه نوح به طوفان نوح، که طوفان آب بود، توجه پیدا کرده است. در بیت زیر در ستایش خراسان و تمنای وصول به آن، ضمن اشاره به پیشگویی اخترشناسان درباره طوفان باد، امام محمد بن یحیی را مضمراً به نوح تشبیه کرده است. (شاعر پیش بینی کرده بود که در سال ۵۶۱، هفتان در آذر و مهرگان در برج ترازو گرد خواهند آمد و طوفان بادی ویرانگر در خواهد گرفت. طوفان نوح(ع) نیز این گونه دانسته شده که در آن، هفت اختر در

برج ماهی گرد آمده‌اند (کزازی، ۱۳۸۰: ۴۳۲)

گر ز بادست و گر از آب، دو طوفان به مثل
هر دو نوح از پی طوفان به خراسان یابم ۶/۲۹۸

شاعر، پدر خود را عالم‌تر از نوح می‌داند؛ چون او می‌تواند بر طوفان نوح هم، پلی بزرگ بسازد:

نوح نه بس علم داشت گر پدر من بدی
قنطره بستی به علم بر سر طوفان او

۱۴/۳۶۵

طوفان و تنور

«حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ...» (هود/۴۰)

شروع طوفان نوح(ع) را از تنور دانسته‌اند:

«نوح به زمین کوفه بود و به خانه او اندر یکی تنور بود آهنین، ...
خدای، عزوجل، با نوح وعده کرده بود که علامت عذاب آن است
که زن تو همی نان پزد. آب از دره تنور بر جوشد.»

(طبری، ۱۳۵۶، ج ۴: ۷۳۰)

خاقانی در چند بیت از قصاید مختلف، به آغاز شدن طوفان از
تنور پیرزن اشاره کرده است. در بیت زیر در نکوهش حاسدان
و کزخاطران، آنان را به قوم نوح تشبیه کرده که لایق عذاب
الهی‌اند:

چون قوم نوح، خشک نهالان بی‌برند

۱۵/۳۲۸

باد از تنور پیرزنی، فتح بابشان

شاعر در وداع با کعبه، سوز دل خود را به آتش تنور و اشک
سیل آسای خود را به طوفان همانند کرده است:

الوداع ای کعبه کاینک وقت هجران آمده

۱۶/۳۷۱

دل تنوری گشته و زو دیده طوفان آمده

در بیت زیر نیز تنور، استعاره از دل، و طوفان و سیل استعاره از
اشک است:

از دل سوی دیده می‌برم سیل

۱۵/۳۴۶

آری ز تنور خاست طوفان

شاعر با استفاده از استعاره، مدعی است که طوفان اشک و آه
او چون طوفان نوح، همه جا را فرا خواهد گرفت و سرپوش
گذاشتن بر آن کاری عبث است:

طوفانم از تنور برآمد چه سود از آنک

۸/۲۴۰

دامن چو پیرزن به نهبن بر آورم

شاعر گاه با استفاده از این تلمیح و تشبیه تمثیلی، مطلبی
حکمی را بیان می‌کند: در ظرف و کوزه‌ای که روزگار بن و
اساسش را سوزانده است، نمی‌توانی جوی پیدا کنی؛ همچنان
که در تنوری که طوفان آن را ویران کرده، نانی نمی‌بینی.

بسه بیان دیگر، اکنون که عمر و فرصت زندگی از دست رفته
است، در زمان کوتاه باقی مانده، ره توشه‌ای نخواهی یافت:

نیایی جو تنوری را که دوران سوخت بنگاهش

۱۶/۲۱۱

نبینی نان تنوری را که طوفان کرد ویرانش

خاقانی در توصیف مناسک و منازل حج، به شروع طوفان از تنور
در کوفه اشاره دارد و غصه و احزان را به تنور و طوفان تشبیه
کرده است:

در تنور آن جای طوفان دیده و اندر چشم و دل

۱۴/۹۰

هم تنور غصه، هم طوفان احزان دیده‌اند

طوفان و کشتی و کوه جودی

وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بَاعِثِنَا وَ وَحِينًا وَ وَلَا تَخَاطِبْنِي فِي الذِّبْنِ ظَلَمُوا
أَنَّهُمْ مُّعْرِقُونَ (هود/۳۷)

نوح(ع) پس از آنکه قوم خویش را نفرین کرد، از سوی خدای،
تعالی، مأمور شد کشتی بسازد. «پس نوح آن [درخت ساج
بفکند و تخته‌ها برید. جبرایل او را بفرمود که کشتی چه گونه
کن. و اول کسی که کشتی کرد به جهان اندر این کشتی نوح
بود. [نوح] چهل سال به کشتی اندر بود تا بکرد. چون کشتی
بکرد. درازای کشتی هزار و دویست رش بود و پهنای کشتی
سیصد و پنجاه رش بود و بالای کشتی هم چنان بود. نوح مر
آن کشتی را سه طبق کرده بود.» (طبری، ۱۳۵۶، ج ۴: ۷۳۰)
بعد از پایان یافتن ساخت کشتی، به نوح(ع) وحی شد که از هر
موجودی، جفتی بگیرد و با خود در کشتی برد. آن گاه طوفان
از تنور پیرزنی که ساکن کوفه بود، آغاز شد. چون خدای، تعالی،
خواست که آن عذاب باز گیرد، به زمین فرمان داد که آب
فروخورد و به آسمان امر که دیگر نبارد.

... وَ قَضَى الْأَمْرَ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى... (هود/۴۴)

«در خبرست که در آن وقت که نوح از کشتی بیرون خواست
آمد، کوه‌های روی زمین سر برآوردند تا مگر کشتی نوح بر آن
فرود آید تا آن شرف او را بود تا به قیامت؛ جودی سر فرو برد.
بدان تواضع که جودی کرد خدای، تعالی، فرمان داد تا کشتی
نوح بر وی فرود آمد.» (ابوبکر عتیق نیشابوری، ۱۳۶۵: ۱۳۲)

خاقانی به جزئیات طوفان نوح(ع) از جمله ساختن کشتی و فرود
آن بر کوه جودی در اشعار خود توجه کرده است. او با توجه به
فرمان خداوند به نوح(ع) در ساختن کشتی، او را در دو بیت
دروگر نامیده است؛ در توصیف قصر ممدوح، نوح را به اغراق،
دروگر و نجار آن معرفی کرده است.

ادریس و جم مهندس، موسی و خضر بنا

۵/۱۹۳

روح و فلک مزوق، نوح و ملک دروگر

شاعر، پدر خود را در نجاری و دروگری برتر از نوح دانسته است:

یوسف نجار کیست، نوح دروگر که بود

۱۳/۳۶۵

تا ز هنر دم زنده بر در امکان او

ملک ملک رکن الدین محمد را در امنیت و آرامش به کشتی
نوح تشبیه کرده است:

ملک تو کشتی است و چرخ، نوح کهن سال

۱۳/۱۴۶

کش ز شب و روز سام و حام برآمد

در ادبیات زیر، شاعر در شکایت از حبس از تناسب طوفان و
کشتی و بادبان برای پروردن اندیشه شاعرانه خود سود جسته
است. در بیت دوم نیز، طوفان نوح را فرا یاد آورده است. سبز
بادبان، استعاره از آسمان و کشتی، استعاره از زمین، و طوفان،
استعاره از حبس است:

خاقانی در

توصیف

مناسک و منازل

حج، به شروع

طوفان از تنور

در کوفه اشاره

دارد و غصه

و احزان را به

تنور و طوفان

تشبیه کرده

است

جدول ۲: میزان کاربرد شیوه‌های بیانی

جدول ۲			
مدخل	تشبیه	استعاره	کنایه
نوح(ع)	۲۸ بار معادل ۷۵ درصد	۱۲ بار معادل ۳۵ درصد	-
مجاز	-	-	-

جدول ۳: میزان کاربرد آرایه‌های بدیعی

جدول ۳			
مدخل	ابهام	اغراق	حسن تعلیل
نوح(ع)	۲ بار معادل ۴۰ درصد	۳ بار معادل ۶۰ درصد	-

نوح(ع) و کنعان و زن نوح(ع)

ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ... (تحریم/۱۰)
 «و مسر نوح را زنی بود کافره و به نوح ناگرویده... و هرچه نوح
 بکردی، این زن مر کافران را آگاه کردی؛ از بهر آن که میل
 کافران داشتی.» (طبری، ۱۳۵۶، ج ۳: ۷۲۹)
 ... وَ نَادَى نُوحُ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ
 مَعَ الْكَافِرِينَ (هود/۴۲)

کنعان به معنی حلیم و بردبار، پسر چهارم نوح(ع) بود که در
 طوفان غرق شد.

«و نوح را چهار پسر بود در آن وقت و چهار دختر، همه مؤمن مگر
 پسری که نامش کنعان بود.» (ابواسحق نیشابوری، ۱۳۸۲: ۳۶)

«اما کنعان که بزرگ‌ترین و نیکوروی‌ترین ایشان بود، کافر بود.
 اسلام نیاورد و در کشتی نیامد.» (عتیق نیشابوری، ۱۳۶۵: ۱۳۱)

«... چون وقت برخاستن کشتی بود از زمین، [کنعان] گفت: به
 سر کوه روم تا آب به من نرسد. پس نوح به آن کار اندر ماند و
 مر کنعان را گفت: با ما به کشتی اندر آی و با کافران مباش و با
 او به این سخن اندر بود که موج اندر آمد و کنعان غرقه شد.»
 (طبری، ۱۳۵۶، ج ۳: ۷۳۱-۷۳۲)

داستان زن کافر نوح(ع) و غرق شدن کنعان در قرآن و روایات
 ذکر شده اما در تورات نیامده است. پسر نوح(ع) در ادبیات
 فارسی مظهر نافرمانی و ناشایستگی است. خاقانی در مرثیه امام
 ناصرالدین ابراهیم، ممدوح را به نوح و غیر او را به کنعان ناهل
 همانند کرده است:

مرا او بود هم نوح و هم ابراهیم و دیگر کس

همه کنعان ناهل اند یا نمرود کنعانی ۵/۴۱۵

در بیت زیر نیز، فرزند و زن استعاره از دشمنان شاعرند:

معصوم کی شوند ز طوفان لفظ من

کز نوح عصمت الا فرزند و زن نیند ۱/۱۷۶

نوح(ع) و حام و سام

از حام و سام در قرآن یاد نشده اما در تورات و تفاسیر و روایات
 اسلامی از حام و سام به عنوان پسران نوح(ع) نام برده شده است.
 داستان بی‌حرمتی حام به پدر و برکت یافتن سام در همه تفاسیر
 اسلامی و تورات آمده است؛ البته در تورات، برکت یافتن به یافت

نسبت داده شده است. (رک: تورات، سفر تکوین، باب نهم، آیات ۲۰-۲۷)

«در اخبارست که نوح در کشتی رفت از چهار پسر وی سه
 پسر با وی در کشتی رفت: سام و حام و یافت.» (ابوبکر عتیق

نیشابوری، ۱۳۶۵: ۱۳۱) «و گویند حام را به نواحی هندوستان
 فرستاد که او سیاه بود به سبب آنکه روزی عورت پدر گشاده

دید، بخندید، ملک، تعالی، رویش سیاه کرد. سام مر حام را
 ملامت کرد و بیامد و اندام پدر بپوشید، ازین سبب است که

حق، تعالی، اهل عجم و پارس را عزیز گردانیده است که سام را

اینست کشتی شکاف طوفانی / که از این سبز بادبان برخاست
 «قضی الامر» کافت طوفان / به بقای خدایگان برخاست ۱۳-۶۲
 شاعر بار دیگر از تناسب کشتی نوح و طوفان بهره برده است:
 اسب ممدوح، قزل ارسلان ایلدگر، در میدان جنگ و خون چون
 کشتی نوح در طوفان است:

خنک تو روان چو کشتی نوح / در طوفان دمان ببینم ۶/۲۷۱
 از داستان کشتی و طوفان نوح(ع) بهره برده و دل، روح و ارکان
 را به کشتی، نوح طوفان مانند کرده است:

سنگ بر شیشه دل چون فکنم

روح را طعمه ارکان چه کنم

آتش اندر این کشتی چه زخم

نوح را غرقه طوفان چه کنم ۲-۱/۲۵۳

سر زانو مانند کشتی نوح، نجات‌بخش کسی است که غلیبان و
 جوش درد او چون طوفان نوح و کوه جودی با همه عظمت فقط

غبار دامان او باشد؛ گویی او باید بتواند با دامن افشاندن، تعلقات
 و هواجس نفسانی کوه‌پیکر را هم چون غباری از خود دور کند:

سر زانو دبستانی است چون کشتی نوح آن را

که طوفان، جوش درد اوست، جودی، گرد دامانش ۵/۲۰۹

از تناسب نوح، طوفان، کوه، کشتی، سام و حام بهره برده و
 عمده‌الدین حفده را به نوح، و مهلکات و حوادث ناگوار رابه
 طوفان تشبیه کرده است.

چون نوح، پیر عشق و ز طوفان مهلکات

ایمن به کوه و کشتی و خرم ز سام و حام ۱۲/۳۰۱

بار دیگر از ابهام تناسب نوح با کشتی و جبل بهره برده و تصویری
 زیبا از مجلس بزم شاهانه ارائه داده است. کشتی، گونه‌ای از پیاله

هشت پهلوی دراز است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱) ذیل کشتی)
 رسم جبل نیز استعاره از شراب‌خواری بسیار است:

ملک جم و عمر نوح بادت و در بزم تو

کشتی و رسم جبل، ماهی و مقلوب یم ۷/۲۶۴

به ناحیت عجم فرستاد.» (ابواسحق نیشابوری، ۱۳۸۲: ۳۹)

در ادب فارسی، معمولاً نام سام و حام با هم می‌آید. در بیت زیر شاعر از روایت‌های اسلامی در مورد رنگ سیاه حام و رنگ سفید سام استفاده کرده و با توجه به تشبیه فلک به نوح، شب و روز را به حام و سام مانند کرده است:

ملک تو کشتی است و چرخ نوح کهن سال
کش ز شب و روز سام و حام برآمد
در تشبیه عمده‌الدین حفده به نوح، از تناسب سام و حام نیز بهره برده است:

چون نوح پیر عشق و ز طوفان مهلکات
ایمن به کوه و کشتی و خرم ز سام و حام
در بیت زیر هم به برکت یافتن سام اشاره کرده و شروان شاه را به نوح، و کودک نوزادش را به سام همانند کرده است:

زانکه شه مشرق است نوح زمانه
دولت او سام آسمان خطر آورد

۱۴/۱۴۸

نتیجه‌گیری

چنان‌که از قصاید خاقانی بر می‌آید، وی ۲۶ بار از نوح(ع) و سرگذشت او سخن به میان آورده و در این میان بیشترین اشاره را به طوفان نوح(ع) کرده است. او از داستان نوح(ع) در مدح ممدوحان، نکوهش حاسدان، توصیف چرخ، بزم شاهانه و همچنین شرح سوز دل خو و شکایت از زمانه و گاه در طرح مسائل حکمی بهره برده است. در این میان، ۲۷ بار از تشبیه، ۱۵ بار از استعاره، ۲ بار از ایهام و ۳ بار از اغراق استفاده کرده است. لازم به یادآوری است که کل تلمیحات مربوط به پیامبران در قصاید خاقانی در حدود ۸۸۱ بیت می‌باشد که میزان تکرار نام و سرگذشت حضرت نوح در قصاید خاقانی ۳۰ بار معادل ۳/۵ درصد است.

موضوعات داستانی حضرت نوح در قصاید خاقانی ۳۸ مورد است که عناصر داستانی آن به ترتیب شماره‌گذاری، صفحه و بیت مطابق دیوان خاقانی ویراسته‌ی میر جلال‌الدین کزازی در زیر می‌آید.

۱- عمر حضرت نوح: ۵۱/۱۴۳/۳۴ - ۱۴۳/۴۰۴/۸۲ - ۸۵/۴۱۵/۸۵	مجموع: ۳ مورد	معادل: ۷/۸۹ درصد
۲- نوحه‌گری حضرت نوح: ۳۷/۲۳۲/۵۳	مجموع: ۱ مورد	معادل: ۲/۶۳ درصد
۳- طوفان حضرت نوح: ۹۳/۱۷۳/۳۹ - ۳۲/۲۱۶/۴۶ - ۸۱/۵۳۴/۱۱۴ - ۴۱/۵۰۲/۱۰۵ - ۷۹/۳۵۷/۷۲ - ۳۷/۲۳۷/۵۳	مجموع: ۶ مورد	معادل: ۱۵/۷۸ درصد
۴- طوفان و تنور: ۳۲/۱۶۸/۳۹ - ۵۳/۳۱۷/۶۵ - ۹۳/۳۸۲/۷۸ - ۷/۴۲۰/۸۷ - ۶۷/۵۶۳/۱۱۸ - ۱۵/۴۹۳/۱۰۴ - ۳۴/۴۵۷/۹۵	مجموع: ۷ مورد	معادل: ۱۸/۴۲ درصد

۵- طوفان و کشتی و کوه جودی: ۴۷/۹۳/۱۸ - ۳۹/۷۷/۱۵ - ۵۱/۱۴۳/۳۴ - ۴۰/۲۷۶/۵۹ - ۳/۳۱۳/۶۵ - ۲۹/۳۳۳/۶۸ - ۴۰/۳۹۶/۸۱ - ۱۳۲/۴۰۷/۸۲ - ۸۵/۴۱۵/۸۵ - ۱/۱۰۵

مجموع: ۱۰ مورد معادل: ۲۶/۳۱ درصد

۷- پیدایش گربه در کشتی نوح: ۷۰/۴۴۵/۹۲ - ۱۸/۴۸۹/۱۰۳/۷۰

مجموع: ۲ مورد معادل: ۵/۲۶ درصد

۸- حضرت نوح، و حام و سام: ۱۵/۱۳۱/۳۱ - ۲۵/۱۴۱/۳۴ - ۷۲/۳۳۷/۶۸ - ۲۹/۳۳۳/۶۸ - ۵۱/۱۴۳/۳۴

مجموع: ۵ مورد معادل: ۱۳/۱۵ درصد

۹- طوفان حضرت و روز جمعه: ۹۳/۱۷۳/۳۹

مجموع: ۱ مورد معادل: ۲/۶۳ درصد

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۵.
۲. کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، چاپ سوم، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸.
۳. اردلان جودی، عتی؛ تجلی شاعرانه‌ی اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی، چاپ چهارم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
۴. استعلامی، محمد؛ نقد و شرح قصاید خاقانی، چ ۱، انتشارات زوار، ۱۳۸۷.
۵. خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی؛ دیوان خاقانی شروانی، تصحیح سید ضیاء‌الدین سجادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۵.
۶. خاقانی؛ دیوان، ویراسته میر جلال‌الدین کزازی، چ ۱، نشر مرکز، ۱۳۷۵.
۷. رازی، ابوالفتح محمد؛ روح الجنان و روح الجنان، تصحیح مهدی الهی قمشه‌ای، دوره‌ده جلدی، چ ۳، انتشارات کتاب فروشی، چاپخانه محمد حسین علمی، ۱۳۳۴.
۸. روحانی، محمود؛ المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن کریم (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم) دوره دو جلدی، چ ۲، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۹. سجادی، سید ضیاء‌الدین؛ فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی شروانی با شرح اعلام و مشکلات دیوان، دوره دو جلدی، چ ۱، انتشارات زوار، ۱۳۷۴.
۱۰. طبری، محمدبن جریر؛ تفسیر طبری، ترجمه جمعی از علمای ماوراء النهر، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۶.
۱۱. کزازی، میر جلال‌الدین؛ گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۱۲. معدن کن، معصومه؛ بزم دیرینه‌ی عروس، شرح پانزده قصیده از دیوان خاقانی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۱۳. میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین؛ کشف الاسرار وعده الابزار، دوره ده جلدی، به اهتمام علی اصغر حکمت، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۱۴. نیشابوری، ابواسحق ابراهیم بن منصور خلف؛ قصص الانبیا، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۱۵. نیشابوری، ابوبکر عتیق محمد؛ قرآن مجید (برگرفته از تفسیر سوره‌آبادی)، تصحیح مهدوی، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶.
۱۶. هاکس، جیمز؛ قاموس کتاب مقدس، چ ۱، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
۱۷. همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، چ ۱۴، انتشارات توس، ۱۳۷۷.
۱۸. یزدان پرست، حمید؛ داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل، قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی، چاپ دوم، تهران، نشر اطلاعات، ۱۳۸۴.